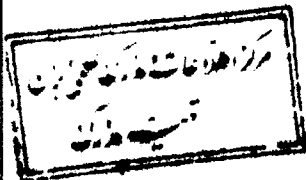


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَنْ عَمِلْ سَئِئْرًا فَلْيَرْجُ
عَذَابَ اللَّهِ الْكَبِيرِ
مَنْ عَمِلْ سَئِئْرًا فَلْيَرْجُ
عَذَابَ اللَّهِ الْكَبِيرِ

٢٤٩٣٩

۱۳۷۸ / ۹ / ۲۹



دانشگاه قم

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

موضوع

مفهوم و مبانی «مصلحت» در قوانین کیفری

استاد راهنما

حضرت حجة الاسلام والمسلمین دکتر سیدمصطفی محقق داماد

استاد مشاور

جناب آقای دکتر جعفر کوشا

دانشجو

تقی برهانی بلسبینه

مهر ماه سال ۱۳۷۷

۲۴۹۳۹

۱۸۵۵/۲

تقدیم

این رساله را به مؤسسان دانشگاه قم (مدرسه عالی تربیتی و قضائی سابق) شهیدان «اندیشه و تفکر» آیت الله دکتر بهشتی و حجة الاسلام دکتر باهنر و به آقای قاضی خرم آبادی بخاطر ۱۹ سال تلاش مستمر و بی وقفه در «اقامه علم» و «خدمت به دانشگاهیان» تقدیم می‌نمایم.

تقی برهانی

سپاسگزاری

همت‌م بدرقه راه کن ای طائر قدس

که درازست ره منزل و من نو سفرم

سپاس بی‌کران خداوند بزرگ را که نعمت هستی بخشید

و پیامبران و اولیاء را برای هدایت‌مان مبعوث نمود. این حمد

و سپاس، همواره و بی‌پایان در شعاع محبت‌ها، ازلی باد.

بر حقیر لازم است که از استادان محترم جناب آقای دکتر

محقق داماد که راهنمایی این رساله را تقبل فرمودند و از جناب

آقای دکتر کوشاک‌به‌من ایده، قوت و مشاوره ذی‌قیمت داده‌اند،

تشکر نمایم و در پایان از والدین گرامی و همسرم که زحمت ایام

تحصیل را صمیمانه بدوش کشیده‌اند قدردانی می‌نمایم.

تقی برهانی

« چکیده »

در جوامع انسانی، قوانین بر پایه قصد و غرض مخصوص وضع شده‌اند. کلمات در حقوق دارای معانی خاص خود می‌باشد. یکی از کلماتی که دارای آثار و پیام خاص می‌باشد، «مصلحت» است. این واژه در مواد قانونی بکار رفته است. از آنجا که کلمات و مفاهیم در قانون جزا باید مشخص باشد تا تاب تفاسیر مختلف و گاه متضاد را نداشته باشد لذا عناصری که این مفهوم در بر می‌گیرد باید شناسایی گردد، عناصر کلی چون نظم عمومی، عدالت و اخلاق، همچنین «مصلحت» دارای عناصر جزئی می‌باشد که این عناصر می‌تواند از مجرمی به مجرم دیگر تفاوت نماید.

دانشمندان دوره باستان و مکاتب حقوق جزا در باره اینکه چه چیزی به مصلحت جامعه و فرد است همداستان نیستند همچنانکه این اختلاف در تشخیص مصالح کیفری نیز دیده می‌شود. به نظر عده‌ای تشخیص مصلحت کیفری با قانونگذار است زیرا او تنها مرجعی است که می‌تواند آزادیهای فردی را با وضع قوانین محدود نماید. پاره‌ای از مکاتب نیز معتقدند تنها مرجع شایسته مصلحت کیفری، قاضی جزایی است، زیرا وی با تربیت خاصی که دارد به خوبی می‌تواند مجرم، جرم ارتکاب یافته و میزان ضرر و زیان وارده به اجتماع را با هم سنجیده و تصمیم صحیح را اتخاذ نماید.

برای تأمین دفاع اجتماع و حفظ آزادیهای فردی، مسأله اعمال مصلحت مطابق مسئولیت کیفری یا فراتر از آن مطرح می‌شود. در بحث مصلحت، تأسیسات کلی حقوق از جمله مرور زمان، تفاسیر، قوانین متروک و ارتباط آنها با مسأله مصلحت نیز مطرح می‌شود.

بهترین تفسیری که در میان تفسیر قوانین جزایی می‌تواند منافع فردی و اجتماعی را تأمین کند همان تفسیر منطقی و توضیحی است. در حقوق جزای اسلامی به مسأله مصلحت در دو بخش تشریح قوانین و مجازاتها (حدی و تعزیری) التفات شده است. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران نیز گاهی بطور صریح و گاه بطور ضمنی به مسأله مصلحت اشاره می‌کند. این اشارت هم در خود واژه «مصلحت» صادق است و هم در عناصر مصلحت. نتیجه اینکه به خاطر مفهوم گسترده مصلحت، حتی الامکان باید از استفاده آن خودداری گردد و در صورت استفاده بطور صریح به تبیین و تعیین مصداق آن پرداخته شود تا از اعمال هوی و هوس به وسیله قضاوت جلوگیری به عمل آید.

کلیدواژه‌ها

«مصلحت کیفری - انواع مصالح - تشخیص مصلحت - مبنای حقوق - مکاتب حقوق جزا و مصلحت - عناصر کلی و جزئی مصلحت - نظم عمومی - عدالت - اخلاق - تناسب مجازاتها - مسئولیت اخلاقی - سودمندی مجازات - میکرب اجتماعی - دفاع اجتماعی - تفسیر قوانین جزایی - ثبات و تغییر قوانین - مجازاتهای حدی و تعزیری»

«نمایه تحقیق»

صفحات

عناوین

موضوع: مفهوم و مبانی مصلحت در قوانین کیفری

۵	فصل اول: کلیات
۵	مبحث اول: تعریف مصلحت
۹	مبحث دوم: مفساد چیست؟
۱۰	مبحث سوم: انواع مصلحت
۱۰	گفتار اول: طرح مطلب
۱۲	گفتار دوم: انواع مصالح
۱۲	الف: انواع مصالح از جهت منبع صدور
۱۲	۱. الهی
۱۳	۲. بشری
۱۴	ب: انواع مصالح از جهت زمان
۱۴	۱. مصالح ثابت
۱۵	۲. مصالح متغیر
۱۵	ج: انواع مصالح از جهت نوعی
۱۵	۱. مصالح فردی
۱۶	۲. مصالح عمومی
۱۸	۳. مصالح اجتماعی
۱۹	د: انواع مصالح از جهت مرجع تشخیص

۱۹	۱. تشخیص مصلحت بوسیله قانونگذار
۲۰	۲. تشخیص مصلحت بوسیله آراء عمومی (همه پرسی)
۲۱	۳. تشخیص مصلحت بوسیله دادگاهها
۲۲	مبحث چهارم: مصلحت فرد یا اجتماع؟
۲۲	مقدمه
۲۴	گفتار اول: مبنای حقوق
۲۵	الف: مکتب حقوق فطری
۳۰	ب: مکتب تاریخی و تحقیقی
۳۱	۱ - مکتب تاریخی
۳۴	۲ - مکتب تجربی
۳۴	۱- ۲ مکتب سودجویی
۴۰	۲- ۲ مکتب مصلحت گرایی
۴۱	ج: مکاتب اتحاد حقوق و دولت
۴۴	نتیجه
۴۷	گفتار دوم: آیا مصلحت از مسایل «مبنایی حقوق» است یا از مسایل «هدف حقوق»؟
۵۱	گفتار سوم: منظور از مصلحت کیفری چیست؟
۵۳	مبحث پنجم: عناصر مصلحت کیفری
۵۳	مقدمه
۵۴	گفتار اول: عناصر کلی مصلحت کیفری
۵۴	الف: نظم عمومی
۵۸	ب: عدالت

- ج: اخلاق ۶۰
- گفتار دوم: عناصر جزئی مصلحت کیفری ۶۶
- الف: تناسب و فایده مجازات با توجه به شخصیت مجرم و جرم ارتكابی ۶۶
- ب: خاصیت جلوگیری کننده از تکرار جرم بوسیله خود مجرم ۶۷
- ج: خاصیت اصلاح و بازپروری مجرم ۶۷
- فصل دوم: مکاتب و مصلحت** ۶۹
- مقدمه: فلسفه مجازات و مصلحت** ۶۹
- الف: رویکرد آینده‌نگر و غایت‌گرا ۷۰
- ب: رویکرد گذشته‌نگر یا عطف بماسبق کننده ۷۰
- مبحث اول: عقاید دانشمندان دوره باستان در باره مصلحت در قوانین کیفری ۷۱
- گفتار اول: اعاده و حفظ شرافتمندی فردی از راه انتقام ۷۳
- گفتار دوم: حفظ تعادل جامعه از طریق سزادادن ۷۳
- مبحث دوم: مصالح برتر، عدالت و اخلاق ۷۶
- (بررسی عقاید مکتب عدالت مطلقه در خصوص مصلحت) ۷۶
- مبحث سوم: مصلحت، مجازات تنها به اندازه مسئولیت اخلاقی ۷۸
- (بررسی عقاید مکتب کلاسیک در خصوص مصلحت) ۷۸
- مبحث چهارم: مصلحت در قوانین کیفری، در سودمندی جامعه است ۸۰
- (بررسی عقاید مکتب نفع اجتماعی در خصوص مصلحت) ۸۰
- گفتار اول: بررسی عقاید روسو ۸۱
- گفتار دوم: بررسی عقاید سزار بکاریا ۸۲
- گفتار سوم: بررسی عقاید بنتام ۸۷

۱۸۹	مبحث پنجم: کنترل و مبارزه با میکرووب اجتماعی و مصلحت اجتماع
۱۸۹	(بررسی عقاید مکتب تحقیقی در خصوص مصلحت)
۹۲	مبحث ششم: اصلاح مجرم و اجتماعی کردن او و دفاع اجتماع
۹۲	(بررسی عقاید مکتب دفاع اجتماعی در خصوص مصلحت)
۹۸	فصل سوم:
۹۸	مبحث اول: تشخیص مصالح کیفری
۹۸	گفتار اول: تشخیص مصلحت کیفری با قانونگذار است
۱۰۱	گفتار دوم: تشخیص مصلحت کیفری با قاضی جزایی است
۱۰۳	مبحث دوم: مصلحت و مسئولیت کیفری مجرمان
۱۰۳	مقدمه
۱۰۳	گفتار اول: اعمال مصلحت مطابق مسئولیت کیفری
۱۰۴	گفتار دوم: اعمال مصلحت فراتر از مسئولیت کیفری
۱۱۱	مبحث سوم: قوانین جزائی و مصلحت
۱۱۱	گفتار اول: اصل عطف بماسبق نشدن قانون جزا و رابطه آن با مصلحت
۱۱۳	گفتار دوم: قوانین مشمول مرور زمان و رابطه آن با مصلحت
۱۱۶	گفتار سوم: قوانین متروک و مصلحت
۱۱۷	گفتار چهارم: تفسیر قانون جزا و مصلحت
۱۱۹	الف: روش تفسیر مضیق قوانین کیفری
۱۲۰	ب: روش تفسیر از طریق قیاس
۱۲۱	ج: روش تفسیر موسع قانون جزا
۱۲۲	د: روش تفسیر منطقی و توضیحی

- گفتار پنجم: حدّ ثبات قوانین جزایی و تکلیف قاضی در تشخیص آن ۱۲۴
- الف: چگونگی ثبات قوانین ۱۲۴
- ب: لزوم شناخت قاضی کیفری نسبت به حدّ ثبات و تغییر قوانین کیفری ۱۲۶
- فصل چهارم: جایگاه نقش مصلحت در حقوق جزای اسلامی** ۱۳۱
- مبحث اول: کلیات ۱۳۱
- گفتار اول: منابع حقوق جزای اسلامی ۱۳۱
- الف: قرآن ۱۳۱
- ب: سنت ۱۳۱
- ج: اجماع ۱۳۲
- د: قیاس ۱۳۲
- ه: استحسان ۱۳۲
- و: مصلحت مرسله ۱۳۲
- گفتار دوم: علت تحریم جرم و تشریح مجازات در نظام جزایی اسلامی ۱۳۳
- الف: مجازاتهای حدی ۱۳۵
- ب: مجازاتهای تعزیری ۱۳۵
- گفتار سوم: قوانین ثابت و متغیر در اسلام ۱۳۶
- مبحث دوم: جایگاه مصلحت در حقوق جزای اسلامی^۹ ۱۳۹
- گفتار اول: جرم در تضاد با «مصلح معتبر اسلامی» ۱۳۹
- گفتار دوم: مجازاتها و مصلحت در اسلام ۱۴۲
- الف: مجازاتهای حدی و رابطه آن با مصلحت ۱۴۲
- ب: مجازاتهای تعزیری و رابطه آن با مصلحت ۱۴۷

گفتار سوم: «مصلحت مرسله» در فقه اهل سنت ۱۵۲

مبحث سوم: مبانی مصلحت در قانون جزای جمهوری اسلامی ایران ۱۵۶

گفتار اول: موارد ارجاع قانونگذار به مصلحت ۱۵۶

مقدمه ۱۵۶

اول: ۱۵۷

دوم ۱۵۷

الف: مواردی که قانونگذار صریحاً به مسأله مصلحت اشاره می‌کند: ۱۵۷

۱ - تبصره ۲ ماده ۴۹ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۵۷

۲ - ماده ۹۴ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۵۹

۳ - ماده ۳۴۱ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۶۱

۴ - ماده ۳۴۳ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۶۲

۵ - ماده ۳۴۵ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۶۲

۶ - ماده ۳۵۵ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۶۲

۷ - تبصره یک ماده ۶۴۰ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۶۴

۸ - حکم ماده ۶۴۶ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۶۵

ب: مواردی که قانونگذار بطور ضمنی به مسأله مصلحت ارجاع می‌دهد و به قاضی

اجازه می‌دهد که بر اساس مصلحت عمل نماید. ۱۶۶

مقدمه ۱۶۷

۱ - ماده ۱۹ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۶۷

۲ - ماده ۲۲ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۶۸

۳ - ماده ۲۵ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۷۰

۴ - ماده ۲۹ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۷۱

۵ - ماده ۳۸ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۷۲

۶ - ماده ۴۸ ق.م.ا. (مصوب سال ۱۳۷۰) ۱۷۴

ج: رجوع به مبانی مصلحت در مواردی که قانون دارای اجمال است ۱۷۴

گفتار دوم: عناصر مصلحت در قانون مجازات اسلامی ۱۷۸

مقدمه ۱۷۸

الف: نظم عمومی ۱۷۸

یک - موارد مصرح ۱۷۹

۱ - ماده ۱۷ ق.م.ا. (۱۳۷۰) ۱۷۹

۲ - ماده ۲۰۳ ق.م.ا. (۱۳۷۰) ۱۷۹

۳ - ماده ۲۰۸ ق.م.ا. (۱۳۷۰) ۱۷۹

۴ - ماده ۲۲۲ ق.م.ا. (۱۳۷۰) ۱۷۹

۵ - ماده ۲۲۴ ق.م.ا. (۱۳۷۰) ۱۷۹

۶ - تبصره ۲ ماده ۲۶۹ ق.م.ا. (۱۳۷۰) ۱۷۹

دو - موارد ضمنی ۱۷۹

۱ - ماده ۱۹ ق.م.ا. (سال ۱۳۷۰) ۱۷۹

۲ - ماده ۲۵ ق.م.ا. (سال ۱۳۷۰) ۱۷۹

۳ - ماده ۳۸ ق.م.ا. (سال ۱۳۷۰) ۱۸۰

ب: اخلاق ۱۸۰

ج: تناسب مجازات: ۱۸۱

۱ - ماده ۱۱ ق.م.ا. (سال ۱۳۷۰) ۱۸۱

۱۸۱ ۲ - ماده ۲۰ ق. م. ا. (سال ۱۳۷۰)

۱۸۱ ۳ - ماده ۲۲ ق. م. ا. (سال ۱۳۷۰)

۱۸۱ ۴ - ماده ۲۵ ق. م. ا. (سال ۱۳۷۰)

۱۸۱ ۵ - ماده ۲۸ ق. م. ا. (سال ۱۳۷۰)

۱۸۲ ۶ - تبصره ۲ ماده ۴۲ ق. م. ا. (سال ۱۳۷۰)

۱۸۲ ۷ - ماده ۵۲۱ ق. م. ا. (سال ۱۳۷۰)

۱۸۲ د: خاصیت جلوگیری کننده از تکرار جرم.

۱۸۲ ۱ - تبصره ۳ ماده ۳۸ ق. م. ا. (سال ۱۳۷۰)

۱۸۳ نتیجه مباحث و تحقیق

۱۸۶ چکیده انگلیسی

۱۸۷ فهرست منابع

مقدمه

یافتن قصد و غرض قوانین، برای عالمان و جویندگان حقوق زنده، یکی از انگیزه‌های پژوهش در حوزه فلسفه حقوق می‌باشد. بدون شک قوانین پس از تصویب، در ایجاد و یا دگرگونی رفتارهای اجتماعی، نقش بسزایی دارد.

مردم به اوامر و نواهی قانونی «عادت» می‌کنند و عادت بعنوان پدیده مهم روانی، رفتارهای اجتماعی اشخاص را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

با مطالعه تاریخ حقوق بخوبی می‌توان دید که همواره قوانین نوشته و مکتوب وجود داشته‌اند و یا عرف و قوانین نانوشته در جوامع اولیه مانند قبایل حاکم بوده است. این قوانین در اوامر و نواهی خود، مقاصد و غرضی را دنبال نموده‌اند و بدون شک قوانین برای خود دارای مبنای خاصی نیز بوده‌اند. مثلاً در روم قدیم اندیشه‌های حکما و فلاسفه در قوانین مصوب مجلس سنا تبلور می‌یافت (اندیشه‌های حکما و فلاسفه مانند ارسطو، افلاطون) چنانکه در این تحقیق نیز به آنها اشاره خواهد شد. در قبایل بدوی نیز اراده رئیس قبیله غالباً برای راضی نگهداشتن خدایان بوده و اوامر و نواهی وی در این راستا صادر می‌شده است. از اینجاست که می‌بینیم همه جوامع - چه اولیه و چه جوامع فعلی - قوانین را متضمن آثار، منافع و بطور کلی مصلحت‌هایی می‌دانند. همین دقت نظر به ما نشان می‌دهد که انگیزه‌ها، منافع و مصالح از جامعه‌ای نسبت به جامعه‌ای دیگر تفاوت می‌نماید. علل تفاوت‌ها را هم باید در منابع حقوق، زندگی اجتماعی و سایر عوامل مؤثر جستجو نمود.

این تحقیق در حقیقت بخش کوچکی از تحقیق در باره فلسفه حقوق کیفی است. همانطوریکه می‌دانیم عبارات و کلمات در حقوق بویژه در غالب مواد قانونی، همه